حنیف رهیاب رحیمی ۲۰۱۹/۰۷/۰۲

روز جهانی تنبل ها!

روز جهانی تنبل را به تمام تنبل های رسمی و تنبل های غیر رسمی تبریک می گویم.

تنبل های رسمی آنهایی اند که در دولت کار رسمی دارند، اکثر روزها صبح می روند دفتر، حاضری را امضاء می کنند و بعد تا آخر روز بجز قتل و قتال و مجروح ساختن یگان مگس بوسیلهٔ مگس کش و شُپ کردن پیاله های متواتر چای سبز، دیگر کاری را مرتکب نمی شوند که به درد مُلک و ملت بخورد.

و یا در پارلمان، وکیل و نمایندهٔ چند صد هزار نفر هستند، بجای حل مشکلات مؤکلین شان و طرح قوانین اصلاحی، به مجردی که باسن خود را در چوکی چسپاندند، به خواب های مرغی و پینکی های مزه دار فرو می روند و روز خود را به آخر می رسانند.

تنبل های غیر رسمی آنهایی اند که ایشان را خداوند مفتخر به همین خصلت و اخلاق نموده و بیشترین فعالیت فزیکی شان که در اثر آن وجود شریف و نجیب شانر به تکلیف می سازند، فاژه کشیدن و پِلک زدن است. این گروپ لقب لَتِ یا لاتِ را نیز از آنِ خود کرده است.

تنبل های دستهٔ اول چون وقت وافر در اختیار دارند، در مراسم تجلیل روزهای جهانی دیگران مانند روز جهانی یخمالک بازی، روز جهانی شکمبوها، روز جهانی تشناب و غیره خود را بوقت مناسب می رسانند و بالای خوردنی ها با اخلاص عام و تام و از دل و جان هجوم می برند و کام دل شانرا خوب می گیرند. به این ترتیب به همین نعمت مفت خداداد، دل خوش کرده اند و ادعایی در سر ندارند.

اما تنبل های غیر رسمی که از همه صفات خجستهٔ تنبل بودن برخوردار هستند، بالاخره خبر شدند که تقریباً برای هرکس روز جهانی درنظر گرفته شده و آنها روز شانرا تجلیل می کنند، از مقام و منزلت شان تقدیر بعمل می آید و حتی تحفه هایی نیز رد و بدل می گردد، در حالیکه به این قشر مظلوم تا حال کسی هیچ التفاتی نکرده اند بناءً بسیار مایوسانه همانگونه که پهلو به پهلو دراز کشیده بودند و دهن های شان باز مانده بود، به جلسه پرداختند.

سرکردهٔ شان که مانند چوچهٔ فیل چند خروار گوشت و چربی بغل و بُغُل اش را احاطه کرده بود، با اشارات مخصوص که تنها خود شان معنی و مفهوم آنرا می فهمیدند به دیگران چنین خاطرنشان کرد:

- در تمام دنیا یک رفیق خوب پیدا کردن مانند کیمیا بته نایاب و مشکل شده، هرکس کوشش می کنه که ده جان یکدیگر خود بزنه و مقصد خوده حاصل کنه، اما ناجوان ها یک روز را بنام «روز رفیق» تجلیل می کنند که یک بی انصافی بسیار زیاد اس.

درین وقت یکی دیگر شان که یک گروپ از مگس های گرسنه در لب و دهنش می چریدند، با اشارهٔ چشم و ابرو به دیگران فهماند که:

- زن ها هم روز جهانی دارند، نمی دانم چرا؟ مره خانمم ایقدر طعنهٔ بیکارگی و تنبلی را داد و بالایم کتره و کنایه گفت که خانه را برایش ایلا داده گریختم و آمدم اینجا! اگه نی شما بگویین، مره چه کده؟

دیگرش با اشارهٔ سر گفتهٔ رفیقش را تائید کرده اظهار داشت که:

- روز معلمه هم تجلیل می کنند در حالی که معلم ما مره هر روز قف پایی بالا میکد و ده شش سال بری مه یک حرفه هم یاد نداد.

چهارمی که لعاب دهانش هم روان بود تجلیل روز «جهانی سواد» را ناروا می دانست. او می گفت:

- ده رهبری تمام ادارات دولت، در پارلمان و حتی وزارت خانه ها مردمان بی سواد جای گرفته، باید روز «جهانی بیسوادی» را تجلیل کنند بجای روز سواد!

بحث ها در خصوص روز های جهانی ادامه داشت یک نفر از این دسته که خیلی شوق داشت بجای این وظیفهٔ فعلی! یک وکیل در پارلمان می بود خدا خدا می کرد که تا وکیل نشده روزی را بنام روز جهانی پارلمان نامگذاری نکنند.

عضو نازدانهٔ این جمع که هزار گفتنی در معده اش داشت اما رمقی در بدن و حوصلهٔ اظهار کردنش را هیچ نداشت، با زبان بی حالی و اشارهٔ ابروها دیگران را به احتجاج عمومی بخاطر دستیابی به حق مشروع شان یعنی تجلیل از «روز جهانی تنبل ها» تحریک کرد.

او چیزی ناگفته اما اضافه کرد که: روز جهانی هرکس تجلیل میشه یا نمیشه ما ره غرض نیست اما روز جهانی تنبل ها باید تجلیل شوه.

در اخیر جلسه هرکدام از اینقدر فعالیت سیاسی و اعتراضات بی صدا هَل و مَل شده بودند. چند دقیقه هرکدام شان تِری تِری طرف یکدیگر سیل کردند. هرچه انتظار کشیدند هیچکدام شان انرژی اینرا نداشت که قطعنامهٔ این جلسهٔ احتجاجیه و درخواست شانرا به روی کاغذ بریزد.

لحظه ای هنوز نگذشته بود که کوه های خواب بالای همهٔ شان لمبید و هریک مانند مرغهای ناجور چشمهای شانرا بستند.

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسندهٔ معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحهٔ مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

روز جهانی تنبل ها!
Rayab_hr_۱۷_roz_jahaani_tanbal_haa.pdf